

بازتاب ملی شدن صنعت نفت در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات (تحلیل محتوای مطالب دو روزنامه قبل و بعد از رویداد ملی شدن صنعت نفت)

حسینعلی افخمی^۱، مسعود علیدادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۸، تاریخ تایید: ۹۷/۴/۱۲

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی - تاریخی به بررسی محتوای دو روزنامه غیر حزبی (مستقل) کیهان و اطلاعات و نقش آنها در جریان ملی شدن صنعت نفت می‌پردازد. دو روزنامه سراسری که به علت استمرار در انتشار و استقلال نسبی با اتکا به درآمد آگهی‌ها، از رسانه‌های چاپی مورد توجه در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌روند و معمولاً از قدرت بالایی در شکل‌دهی افکار عمومی برخوردار بوده‌اند. در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران، این دو روزنامه به‌عنوان نهاد رسانه‌ای بی‌رقیب با پشتوانه فنی، مالی و حرفه‌ای نسبتاً خوب در شرایطی منتشر می‌شدند که اغلب احزاب و جمعیت‌های سیاسی هر یک از نشریه‌های ارگان به صورت هفته‌نامه یا روزنامه در چارچوب مسلک و ایدئولوژی خود برخوردار بودند.

در این پژوهش با توجه به پیشینه این دو روزنامه غیر حزبی، نحوه انتشار و بازتاب مطالب خبری و تحلیلی مربوط به ملی شدن صنعت نفت به روش تحلیل محتوای کمی بررسی می‌شود. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مطالب مربوط به مسائل ملی شدن نفت ایران در ماه‌های اسفند و فروردین سال‌های ۳۰-۱۳۲۹ را شامل می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روزنامه اطلاعات، نسبت به روزنامه کیهان در چهار هفته قبل و بعد از روز (۲۹ اسفند) ملی شدن صنعت نفت ایران، سوگیری مثبت‌تری در انتشار اخبار و رویدادها داشته است. **واژگان کلیدی:** ملی شدن صنعت نفت، مطبوعات ایران، کیهان، اطلاعات.

^۱ - دانشیار دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی hafkhami48@hotmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی prmasoudalidadi@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

نفت یا طلای سیاه در طول سالیان متمادی ارزشش افزون شده است؛ زیرا با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن آنها، نیاز به این ماده حیاتی، بیش از پیش احساس می‌شود. کشورها هرچه سریع‌تر به توسعه اقتصادی دست می‌یافتند، بیشتر به مصرف نفت اهمیت می‌دادند تا جایی که در جهان، کشورهای صاحب منابع نفتی را استعمار و نفت آنها را به تاراج می‌بردند. در این میان حدود یک قرن پیش که انگلیسی‌ها یک چاه نفت در مسجد سلیمان را کشف کردند، با توجه به اطلاع از ارزش‌های زیاد آن، پایه استعماری خود را با قراردادهای استخراج، تولید و فروش نفت خام، بر ایران بنا نهادند.

آنچه اهمیت بسیار دارد این است که چه نهادی می‌توانست موضوع ملی شدن صنعت نفت را به‌عنوان یک مسئله فراگیر در جامعه ایران مطرح کند و ملی شدن نفت را به اولویت زندگی روز مردم ایران در دهه ۱۳۲۰ تبدیل کند. با توجه به این موضوع که تلویزیون وجود ندارد و رادیو هم هنوز به یک قدرت بدون رقیب تبدیل نشده است، این مطبوعات هستند که سکان جریان‌سازی در جامعه را به‌دوش می‌کشیدند. در این دوره، ما شاهد شکل‌گیری دو نوع مطبوعات هستیم؛ بعضی از آنها با توجه به وجود احزاب، منعکس‌کننده دیدگاه‌های مسلکی آن‌ها هستند که به اصطلاح نام مطبوعات حزبی را بر آنها گذاشته‌اند. نوع دیگر را می‌توان مطبوعات مستقل یا آزاد نامید که منعکس‌کننده نظرات احزاب خاصی نبودند. اما آنچه منشأ تفاوت در روزنامه‌های غیر حزبی است، بحث تأمین مالی آنهاست؛ زیرا برای تأمین منابع مالی دفتر نشریه، نیاز مبرم به حمایت -چه از طریق انتشار تبلیغات و چه کمک از طرف اشخاص و مؤسسه‌ها- می‌باشد که این خود عاملی است که نتوانند در بعضی از شرایط به‌صورت کاملاً بی طرف دست به انتشار مطالب خبری بزنند. از همین رو سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بین دو روزنامه اطلاعات و کیهان در نحوه شکل‌گیری و اداره و درآمد آنها تفاوتی وجود دارد و اگر پاسخ مثبت است آیا این تفاوت در نحوه انتشار اخبار مربوط به ملی شدن صنعت نفت هم به چشم می‌خورد یا خیر؟

سوالهای فرعی در این پژوهش بدین شرح است:

- ۱- آیا بین دو روزنامه کیهان و اطلاعات، از نظر جهت‌گیری مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین دو روزنامه کیهان و اطلاعات، از نظر موضوع مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین دو روزنامه کیهان و اطلاعات، از نظر سبک مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

ملی شدن صنعت نفت ایران از موضوعات مهم در تاریخ ایران معاصر به شمار می‌رود. این موضوع، آن قدر مورد توجه بوده است که تا کنون صدها اندیشمند ایرانی و غیر ایرانی مطالعات خود را به بررسی آن معطوف کرده‌اند و در پی به دست آوردن حقایق پشت پرده و ارائه تحلیلی درست و مناسب از این موضوع هستند. اما به دلیل گستردگی، در این موضوع هنوز ابهاماتی یافت می‌شود که نیازمند پاسخ‌گویی و ارائه تحلیل‌هایی دقیق‌تر است. یکی از ابهامات موجود، نقش مطبوعات در ملی شدن صنعت نفت ایران می‌باشد، و به رغم اهمیت مطبوعات، تاکنون تحقیق جامع و کاملی که بتواند نقش مطبوعات غیرحزبی را در ملی شدن صنعت نفت را بررسی کند، کمتر مشاهده می‌شود و یا مشابه این بررسی وجود ندارد. برخی از تحقیقاتی که تا حدودی به ملی شدن صنعت نفت ایران مربوط است در ذیل به آن اشاره شده است:

پایان‌نامه کارشناسی ارشد افسانه آینه بیگی با عنوان نقشه شوروی در ایران ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با راهنمایی عباسقلی غفاری فرد در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز انجام شده است. این پایان‌نامه به نقش شوروی در ایران و تشکیل حزب توده از یک سوی و نقش شوروی در حوادث و اتفاقات سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرداخته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسن دهقانی با عنوان نقش دکتر حسین فاطمی در سیاست خارجی دولت ملی مصدق با راهنمایی علیرضا صوفی در گروه تاریخ ایران دانشگاه پیام نور انجام شده است. این پایان‌نامه ابتدا به شخصیت شناسی دکتر حسین فاطمی و نقش وی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و همچنین نقش وی در کابینه دولت ملی مصدق پرداخته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد مجید رحمانی با عنوان «رقابت‌های انگلیس و آمریکا بر سر نفت ایران از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد» به راهنمایی عباسقلی غفاری فرد در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز انجام شده است. در این پایان‌نامه ضمن بررسی تاریخ نفت ایران به نقش دولت‌های انگلیس و آمریکا و رقابت‌های آنها در اتفاقات ایران، در بازه زمانی جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اشاره شده است.

همچنین رساله دکترای حسین‌علی قربانی زیر عنوان «مطبوعات، تجددگرایی و نسبت آن با انقلاب اسلامی ایران» در رشته‌ی تاریخ انقلاب اسلامی در پژوهشکده‌ی امام خمینی در ۱۳۹۶ به راهنمایی دکتر حسن حضرتی دفاع شده است که بر نحوه شکل‌گیری مؤسسه‌های مطبوعاتی اطلاعات و کیهان و نقش سیاسی-اجتماعی آنها به ویژه در دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی تأکید شده است. در این رساله اشاره‌ای به موضوع ملی شدن صنعت نفت نیست.

زمینه تاریخی و مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر، با تمرکز بر مسئله نفت و نحوه پوشش خبری موضوعات نفتی در مطبوعات غیر حزبی، در پی ارائه یک تحلیل درست با تحلیل محتوای کمی متن اخبار در روزنامه‌های غیر حزبی اطلاعات و کیهان می‌باشد. برای این کار، ابتدا لازم است تا تاریخچه نفت ایران، مروری مفهومی - تاریخی شود و پس از آن با آشنایی نحوه شکل‌گیری و اداره مطبوعات مورد بررسی، اخبار منتشره مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت، بررسی و نتایج، تجزیه و تحلیل شود که در پایان بتوانیم به نحوه انتشار اخبار مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت در دو روزنامه کیهان و اطلاعات دست یابیم.

جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران، به‌عنوان بخشی از فرایند استعمارزدایی، در شرایط نابه‌سامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفت. (مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۵۶) در این دوران، صحنه سیاست کشور را تشکیلات و جناح‌های سیاسی گوناگون فرا گرفته بود که از نظر ایدئولوژی از چپ کمونیست تا راست مذهبی را در برداشت. مجموعه متغیری از گروه‌های لیبرال و ناسیونالیست که با تشکیل جبهه ملی در اکتبر ۱۹۴۹ [آبان ۱۳۲۸] شکل مشخصی یافت، حد وسط ایدئولوژیک این طیف گسترده را تشکیل می‌دادند. این گروه‌ها به استثنای چند گروه کوچک از افراد میانه‌رو و راست‌گرا، همگی در یک هدف، یعنی پایان‌دادن به دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی ایران وحدت نظر داشتند. آزادی غیر مترقبه مطبوعات به انتشار صدها جزوه و نشریه سیاسی و روزنامه انجامید. از این رو فرصتی برای نقش‌آفرینی مطبوعات فراهم شد (بیل و لوئیس، ۱۳۶۸: ۲).

این نقش‌آفرینی چنان گسترده بود که در جریان‌ات اسفند سال ۱۳۲۹ مطبوعات با نقش چشمگیر خود در ساختن افکار عمومی برای باز پس‌گیری حیثیت ملی نقش بی‌بدیلی را ایفا کردند و دکتر محمد مصدق با پشتیبانی مردمی، توانست در مقابل ابرقدرت جهان در آن روزها (یعنی کشور بریتانیا)، قد علم کند و با وجود فشارهای وارده از داخل و خارج، روزی به یادماندنی برای ملت ایران و روزی خفت‌بار برای دولت انگلیس رقم بزند. یک ماه و نیم بیشتر نمی‌گذرد که مجلس ایران مصدق را به نخست‌وزیری بر می‌گزیند و اختیار ملی‌کردن شرکت بریتانیایی نفت انگلیس - ایران را به او می‌دهد. این امر، باعث جرقه اولیه بحران بین‌المللی مشهوری بود که به مناقشه نفتی ایران و انگلیس معروف شد. در گرفتن مباحث داغ در دیوان بین‌المللی لاهه و سازمان ملل متحد، اعمال تحریم اقتصادی، طرح‌ریزی برنامه‌های پنهانی برای حمله به ایران و همچنین قطع روابط دیپلماتیک باعث تشدید بحران شدند. در این میان، آمریکا خود را به‌عنوان یک میانجی‌گر صلح معرفی می‌کرد و در ظاهر خود را به عنوان «واسطه‌ای درستکار» معرفی می‌نمود تا اینکه در مرداد ۱۳۳۲ چهره از نقاب کشید و با همکاری سازمان سیا و

سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا [SIS] گروهی از افسران ایرانی را سازماندهی کرد تا تاریخ ایران، نخوت کودتا علیه مصدق را بر تارک خود ثبت کند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۶). ویلیام ناکس دارسی (اهل استرالیا و متولد بریتانیا) که بعد از پیدا کردن معدن طلا مونت مورگان میلیونر شد و از آن پس بر آن شد تا ثروت خود را در نفت سرمایه‌گذاری کند، در همان موقع بود که سردرموندولف با دارسی آشنا شد و در مورد نفت ایران با او مذاکره کرد. حاصل این مذاکره، امضا قراردادی بود که بر طبق آن حقوق انحصاری ۶۰ ساله اکتشاف، استخراج، پالایش و صادرات تمامی فرآورده‌های نفتی از هر نقطه از کشور، به استثنای استان‌های هم‌مرز با روسیه را از شاه ایران خریداری کرد. او در مقابل این امتیازات، ۵۹ هزار لیره انگلیسی را به شکل نقد به شاه می‌پرداخت و ۲۰ هزار لیره دیگر را به شکل سهام در اختیار سایر چهره‌های مهم می‌گذاشت و به دولت وعده می‌داد که ۱۶ درصد از سود خالص سالانه را هم پرداخت کند (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۵۱-۲۵۳).

در سال ۱۹۰۸ میلادی (۱۲۸۷ شمسی) نخستین چاه نفت ایران در مسجد سلیمان -در استانی در جنوب شرقی ایران که در آن زمان عربستان نامیده می‌شد و بعدها به خوزستان تغییر نام داد- فوران کرد. طولی نکشید که دارسی حقوق خود در شرکت نفت برمه را -که از موفقیت اندکی در آن کشور برخوردار شده بود- فروخت و این در حالی بود که دریا سالار جان فیشر^۱ سرفرمانده نیروی دریایی بریتانیا تلاش داشت این شرکت را به سهم‌گیری فعال در ایران ترغیب کند. فیشر که لقب «شیفته نفت» نصیب شده بود، مصمم بود تا سوخت لازم برای نیروی دریایی بریتانیا را از ذغال سنگ به نفت تغییر دهد. یک سال بعد، شرکت برمه به شرکت نفت انگلیس-پرشیا (APOC) تبدیل شد. از سوی دیگر، دولت بریتانیا شیخ خزعل رئیس مهم‌ترین قبیله عرب زبان منطقه جنوب غربی ایران را ترغیب کرد تا اجازه احداث یک پالایشگاه نفت در آبادان را بدهد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۶).

در اواخر دهه ۱۹۴۰، جراید ایران و حتی مؤسساتی مانند روزنامه اطلاعات اغلب به این نکته اشاره می‌کردند که شرکت نفت ایران و انگلیس طی سال‌های متمادی تنها رقمی ناچیز-حدود ۱۰۵ میلیون پوند-حق امتیاز به ایران پرداخت کرده، یعنی شرکت برای هر یک تن نفتی که از ایران استخراج کرد و فروخت (پس از کسر کلیه هزینه‌ها) تقریباً دو لیره و کسری عایدی خالص داشته و فقط قریب به شش شیلینگ به ایران پرداخته است. اما در مقابل ۱۷۰ میلیون پوند مالیات به دولت بریتانیا و ۱۱۵ میلیون پوند سود به سهامداران بریتانیایی پرداخته و بیش از ۵۰۰ میلیون پوند در طرح‌های خارج از ایران سرمایه‌گذاری کرده است (فاتح، ۱۳۵۸: ۴۱۴).

¹ - John Fisher

محمد مصدق (مصدق السلطنه)، معمار ملی کردن صنعت نفت ایران، در سال‌های پرآشوب جنگ جهانی دوم موقعیتی مناسب برای مطرح‌شدن به‌عنوان نماد ناسیونالیسم ایرانی داشت. او که از یک خانواده اعیان قدیمی و وابسته به خاندان قاجار برآمده بود، از اوایل سده بیستم، چهره‌ای برجسته در عالم سیاست به‌شمار می‌رفت. مادرش نجم‌السلطنه، نوه فتحعلی‌شاه و خواهر زن مظفرالدین شاه بود. خود مصدق هم با ضیاءالسلطنه، نوه ناصرالدین شاه و دختر امام جمعه تهران ازدواج کرد. پدرش میرزا هدایت وزیر مالیه و از خاندان سرشناس آشتیانی بود که در دوران صفوی و قاجار، سمت مستوفی‌گری [کار حساب و کتاب امور اداری] را بر عهده داشتند. مستوفیان را از جهات مختلف می‌توان با ماندترین‌های چین مقایسه کرد. بنابراین مصدق مستقیماً یا به‌واسطه ازدواج، خویشاوند خانواده‌های اریستوکراتی بود که پیش از شکل‌گیری سلسله پهلوی بر ایران حاکم بودند، خانواده‌هایی نظیر امام‌جمعه، هدایت، دفتری، متین‌دفتری، بیات، دیبا، امینی، قوام، وثوق، علم، ذوالفقاری، سمیعی، مستوفی و فرمانفرما (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۴). زهرا همسر دکتر مصدق، زنی ساده و سنتی و اهل دعا و نماز و بیگانه با سیاست بود. او و محمد مصدق شصت و چهار سال با یکدیگر زندگی کردند و حاصل ازدواج آن‌ها سه دختر و دو پسر^۱ بود (اسلامیه، ۱۳۹۴: ۳۴).

مصدق در بیشتر سال‌های حکومت رضاشاه، در احمدآباد خانه‌نشین و تحت نظر بود و در سال ۱۹۴۰ زندانی و به شمال خراسان تبعید شد که این تبعید با دخالت ارنست پرون پس از ۱۵ روز تمام شد و مصدق به احمدآباد بازگشت. چند ماه بعد هم تهاجم انگلیس و روس به سلطنت رضاشاه پایان داد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۸). انتخابات مجلس چهاردهم در اواخر سال ۱۳۲۱ برگزار گردید. مصدق نامزد نمایندگی تهران شد و نه‌تنها به نمایندگی برگزیده شد، بلکه میزان آراء او از یازده نماینده دیگر تهران بیشتر بود و بدین ترتیب، نماینده اول تهران شد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۱۳). حوزه علاقه‌مندی مصدق به سیاست خارجی بود. به اعتقاد او، سیاستمداران قبلی از جمله شاهان قاجار به اشتباه فکر می‌کردند که تنها از طریق ارائه امتیازات برابر، می‌توانند قدرت‌های همسایه را آرام سازند. او چنین استدلالی را برابر با استدلال کسی می‌دانست که یک دستش قطع شده و فکر می‌کند که می‌توان با دادن دست دیگرش، آن را جبران کند. این سیاست از نظر او «موازنه مثبت» بود. و همین دیدگاه باعث تقسیم ایران به مناطق نفوذ در سال ۱۹۰۷ بود. مصدق برای جلوگیری از تکرار تاریخ، از بی‌طرفی مطلق پشتیبانی می‌کرد و باور داشت که قدرت‌های بزرگ، تنها زمانی دست از سر کشور برخواهند داشت که مطمئن شوند هیچ‌گونه امتیاز خاصی به آنها داده نخواهد شد. او این سیاست را «موازنه منفی» یا در واقع تعبیر ایرانی از بی‌طرفی و عدم

^۱ - اشرف، منصوره، خدیجه، احمد، غلامحسین

تعهد نامید (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۷۲). او هنگام بحث در این زمینه، به قرارداد نفتی سال ۱۹۳۳ اشاره کرد و آن را به دلیل افزایش مدت امتیاز داری، اعطای نفوذ بی‌حد و حصر در سیاست داخلی به شرکتی خارجی و از همه خطرناک‌تر، ترغیب دیگران به تلاش برای کسب امتیازات مشابه تقبیح کرد (همان: ۷۲) به عبارت دیگر، لازمه سیاست موازنه مثبت این بود که برای هر کدام از دو همسایه، امتیازات و مزایای متساوی در ایران قائل شویم که این از نظر منطقی پذیرفته نبود (کی‌استوان، ۱۳۲۹: ۱۴).

حال و روز شاه در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ [۱۳۲۸-۱۳۲۹] چندان خوب نبود، زیرا اعلام کرده بود از همسرش فوزیه جدا می‌شود و بعد از آن نخستین سفرش را به ایالات متحده آمریکا به قصد دیدن رئیس جمهور هری ترومن آغاز کرد، در این بین در جریان انتخابات مجلس شانزدهم، پلیس نامزدهایی را که مورد علاقه شاه نبودند، از میدان به در کرد و ایران آشوب شد. پس از انتخابات، دکتر مصدق مدعی تقلب در انتخابات شد و به عنوان اعتراض، بست‌نشینی در محوطه کاخ را آغاز کرد (Farmanfarmaian, 1997: 234). مصدق برای دو موضوع اساسی مبارزه می‌کرد: انتخابات آزاد و ملی شدن نفت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۸۵). پس از اینکه مجلس شانزدهم در اواخر سال ۱۹۴۹ کار خود را آغاز کرد، قرارداد نفتی ایران و انگلیس، موضوع اصلی بحث میان سیاستمداران شد (Zabih, 1982: 20).

از طرفی قرارداد تکمیلی نفت که اوایل تابستان ۱۹۴۹ به امضا رسیده بود، با مخالفت جدی مجلس پانزدهم روبه‌رو شد و مجلس پایان یافت، در صورتی که بحث درباره لایحه قرارداد مذکور ادامه داشت (Ibid:20) لذا شاه که نتوانسته بود سیاستمداران پوست‌کلفتی برای حمایت از موافقتنامه الحاقی پیدا کند، پس از تردیدهای بسیار، به ژنرال علی رزم‌آرا روی آورد. برداشت رزم‌آرا این بود که موافقتنامه را بعداً به مجلس خواهد داد و بر همین اساس، نخست‌وزیری را پذیرفت. ترس شاه از این بود که برخی افسران، همان بلایی را به سرش بیاورند که پدرش بر سر خاندان سلطنتی قبلی آورده بود. شاه (به‌ویژه در مورد رزم‌آرا) محتاط بود؛ زیرا او هواداران زیادی بین افسران جوان‌تر با گرایش‌های چپ داشت. شاه پیش‌تر در گفت‌وگویی با سفیر بریتانیا، رزم‌آرا را به عنوان «یک افعی که باید له شود» توصیف کرد. شاه می‌گفت او «ناسپاس، حقه‌باز و فقط کمی بهتر از عمال روس است» (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در شانزدهم اسفندماه ۱۳۲۹ یعنی پیش از پذیرش دوباره موافقتنامه ۵۰/۵۰ توسط شرکت نفت، ژنرال رزم‌آرا در مسجد شاه تهران توسط خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام به قتل رسید. از نظر فدائیان اسلام، مخالفت رزم‌آرا با ملی شدن نفت، شهادی بر این مدعا بود که او (عامل انگلیس) است. همچنین به دلیل تنش‌های گذشته بین رزم‌آرا و شاه، فوراً شایعاتی پخش شد مبنی بر اینکه ردپای دربار نیز در این قتل دیده می‌شود. شاه برای کاهش تنش‌ها، حسین علا (معین‌الوزرا)

وزیر دربار معتمد خود را برای تشکیل کابینه فراخواند و تلاش کرد تا از طریق تخصیص چند پست در کابینه (رفتار) جبهه ملی را تعدیل کند. علا پس از رایزنی با مصدق، وزارت دادگستری را به امیر علایی و وزارت فرهنگ را به احمد زنگنه تکنوکرات نزدیک به حزب ایران سپرد. درست هنگامی که علا در حال گردهم آوردن کابینه و جلب نظر جبهه ملی بود، کشور در شوک اعتصاب عمومی گسترده صنعت نفت فرورفت (همان: ۱۰۲-۱۰۴) لایحه پیشنهادی جبهه ملی در مورد ملی کردن نفت شمال و جنوب ایران در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، یعنی در آستانه نوروز توسط اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان دو مجلس سنا و شورا و در میان شادی و شور مردم به تصویب رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

وضعیت مطبوعات مورد بررسی

سالهای قبل از رویداد ملی شدن صنعت نفت تعداد نشریات چاپی با رقم ۱۴۹۷ بالاترین تعداد نشریه را طی سالهای ۱۳۵۷-۱۲۷۰ ثبت کرده است. (جعفری، ۱۳۸۵: ۴۸) امیر طاهری (۱۳: ۱۹۸۰) تعداد نشریات این دوره را در سال ۱۳۲۴ تا چهار هزار عنوان ذکر می کند که بخش عمده ای از آنها را نشریات حزبی و مسلکی تشکیل می دهند و توسط پانزده حزب سیاسی در طیف های چپ، راست، اسلامی یا قومی اداره می شوند (افخمی، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۰۱). دو روزنامه کیهان و اطلاعات در میان این فراوانی غیر دولتی، غیر حزبی و تا حدی تجاری به شمار می روند.

الف) روزنامه اطلاعات

عباس مسعودی روزنامه نگار و سیاستمدار معروف، متولد ۱۲۷۴ شمسی در تهران است. او تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند و به کار نویسندگی و خبرنگاری پرداخت. در جوانی مؤسسه ای درست کرد که اخبار داخلی و خارجی را جمع آوری و به روزنامه ها می داد. در سال ۱۳۰۵، امتیاز روزنامه اطلاعات را گرفت و با پشتکار و جدیت خاصی توانست در مدت کوتاهی روزنامه خود را در ردیف بزرگترین نشریات روز قرار دهد. گذشته از روزنامه یومیه اطلاعات و روزنامه های انگلیسی و فرانسه چندین مجله معتبر نیز تأسیس و منتشر کرد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۴۳۱).

روزنامه اطلاعات در بدو تأسیس، به وسیله مرکز اطلاعات ایران که مؤسسه ای برای تهیه و توزیع اخبار در تهران بود نشر می یافت. انتخاب نام «اطلاعات» که مبین هیچ گونه جهت گیری سیاسی نبود، از سوی مسئولان وزارت معارف آن ایام (به ویژه علی اصغر حکمت) مورد استفاده قرار گرفت (خانیکی، ۱۳۷۶: ۳۸۳).

سال‌ها روزنامه اطلاعات بدون رقیب و پرتیراژترین نشریه ایران محسوب می‌شد. مسعودی در کنار کار مطبوعاتی خود، چند دوره، نماینده مجلس شورای ملی و چند دوره، سناتور بود. در ادوار دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم وکیل مردم تهران در مجلس شد. از بدو تشکیل مجلس سنا تا پایان عمر که قریب ۲۵ سال می‌باشد، عنوان سناتوری داشت. از دوره چهارم سنا به بعد نایب رئیسی سنا با او بود.

مسعودی مردی خودساخته، پرکار و لایق و از همه بالاتر، به کار مطبوعاتی خود عشق می‌ورزید. او به تمام دنیا مسافرت کرد و خاطرات این مسافرت‌ها ده‌ها هزار صفحه یادداشت است که تدریجاً در روزنامه اطلاعات منتشر شده است. او به‌حق در پنجاه سال اخیر، پدر مطبوعات ایران بود و در سنین کهولت، روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کرد و سرانجام نیز در سال ۱۳۵۳ در پشت میز کارش در روزنامه اطلاعات در گذشت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۴۳۲).

روزنامه اطلاعات، اولاً به‌علت بی‌طرفی که نوعاً در قضایا و حوادث پیش گرفته و ثانیاً انتشار مرتب آن که همه‌روزه عصرها منتشر شده، خوانندگان زیادی در ایران دارد و حتی چند سال قبل از وقایع شهریور ۱۳۲۰، تنها روزنامه‌ای بود که مورد توجه طبقات مختلف قرار گرفته و کمتر کسی بود که روزنامه بخواند و اطلاعات خریداری نکند یا مشترک نباشد. بدین معنی که برای اطلاع از اوضاع کشور، روزنامه دیگری برای جانشینی آن وجود نداشت. از این جهت، مدت چند سال اطلاعات در هشت تا دوازده صفحه، در قطع بزرگ منتشر می‌شد و با توجه به آماری که به‌طور دقیق ثبت شده، در سال ۱۳۱۷ شمسی اطلاعات، هر نوبت در ۱۱۵۰۰ نسخه منتشر می‌شد و تعداد اعضاء و کارمندان آن ۶۲ نفر بوده‌اند (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷). تیراژ روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۲۴ با اندکی افزایش به ۱۲۷۰۰ می‌رسد، در حالی که سایر روزنامه‌ها تیراژی کمتر از ۲۰۰۰ نسخه را رقم می‌زدند. (سلامی و روستایی، ۱۳۷۴: ۶۹)

پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ و تشکیل احزاب و دسته‌جات مختلف - که هر کدام روزنامه‌ای به‌عنوان ارگان منتشر ساختند- روزنامه اطلاعات همان موقعیت سابق خود را حفظ نمود، گرچه از شماره‌های آن کاسته شد، ولی باز یکی از روزنامه‌های مهم و مفید کشور به‌شمار می‌رفت. روی‌هم‌رفته، پشتکار و جدیت آقایان مسعودی‌ها و دستگاه چاپ وسیع اداره روزنامه، اطلاعات را در ردیف یکی از روزنامه‌های بی‌رقیب و آبرومند ایران قرار داده است (صدرهاشمی: ۲۰۷-۲۰۸).

اولین شماره اطلاعات، هم‌زمان با روز افتتاح ششمین دوره مجلس شورای ملی بود و دومین شماره آن نیز یک ماه بعد که مجلس ششم، طبق قانون، اعتبارنامه‌ها را رسیدگی می‌کرد و آماده کار می‌شد، منتشر گردید (خانیک، ۱۳۸۱: ۳۵۶) روزنامه اطلاعات با روش ملایم و سبک

خاص خود، همسویی با دولت‌های وقت و تعریف و تمجید از شاه، جزو روزنامه‌های کثیرالانتشار بود که به‌طور مرتب چاپ می‌شد و تا سال ۱۳۲۰ هرگز توقیف نگردید (همان: ۳۸۳).

ب) روزنامه کیهان

روز ششم خرداد سال ۱۳۲۱ روزنامه کیهان به‌عنوان یک روزنامه ملی-سراسری، قدم به عرصه مطبوعات عصر کشور گذاشت. مصطفی مصباح‌زاده، استاد دانشگاه تهران و بعدها سناتور انتصابی مجلس سنا و عبدالرحمن فرامرزی، از جمله روزنامه‌نگاران مشهور و خوش‌قلمی بودند که در این روزنامه به فعالیت مشغول بودند (روزنامه رسالت، ۱۳۸۸: ۲).

روزنامه کیهان، ابتدا به مدیریت عبدالرحمن فرامرزی منتشر می‌شد، ولی بعداً امتیاز آن را به دکتر مصطفی مصباح‌زاده واگذار کرد و خود، عنوان مدیر مسؤول روزنامه را حفظ نمود (طلوعی، ۱۳۷۲: ۷۸۳). هر چند وی پیش از آن، مدیریت روزنامه «آینده ایران» را به‌عهده داشت که صاحب امتیاز آن هادی خلعتبری بود. این روزنامه از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا فروردین ۱۳۲۱ منتشر و سپس توقیف شد. دو ماه بعد اولین شماره روزنامه کیهان در ۴ صفحه با قطع کوچک شش ستونی در دو هزار نسخه منتشر شد (جوانرودی، ۱۳۵۹: ۲۱۶). قیمت تکفروشی روزنامه در آغاز یک و نیم ریال بود و محل تحریریه آن در خیابان خواجه قرار داشت. در سال ۱۳۲۸ تعداد صفحات آن به ۸ صفحه افزایش یافت. یک سال بعد به محل فعلی روزنامه - کوچه اتابک واقع در خیابان فردوسی- نقل مکان یافت و با نصب ماشین نیمه رتاتیو-مسطح تیراژ آن فزونی گرفت.

مصطفی مصباح‌زاده از ابتدای دهه ۱۳۲۰، با خاندان پهلوی در ارتباط بود. پدر او مباحثی میرزا ابراهیم قوام‌الملک شیرازی، پدر علی قوام را برعهده داشت. زمانی که قوام‌الملک تصمیم به اعزام پسرش (علی) برای انجام تحصیلات به خارج از کشور گرفت، مصباح‌زاده را نیز به همراه او به خارج فرستاد. مصباح‌زاده و علی قوام مدتی در بیروت تحصیل کردند و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه رفتند. در اوایل دهه ۱۳۲۰ که دربار پهلوی در موضع ضعف قرار داشت، در اندیشه تأسیس یک روزنامه هوادار افتاد و مصباح‌زاده پیشنهاد کرد که اگر به او کمک مالی شود، چنین روزنامه‌ای را انتشار خواهد داد (روزنامه کیهان، ۱۳۸۶: ۸) حسین فردوست در کتاب خاطرات خود در این رابطه می‌نویسد:

«نیمه سال ۱۳۲۰ بود که متوجه شدم مصباح‌زاده، خیلی دوروبر من می‌پلکد و مرتب درخواست می‌کند که با شما کار دارم و وقت بدهید که مفصل صحبت کنیم! با او صحبت کردم و گفت که اگر بتوانید ترتیبی بدهید که اعلیحضرت را ملاقات کنم تا بهتر بتوانم مطلب را ادا کنم. به او گفتم اصل مطلب را بگو! گفت «لب مطلب این است که اکنون روزنامه اطلاعات یکه

تاز میدان است و این صحیح نیست. مسعودی تاجر است و کارش تجارت است، نه روزنامه نگاری. هرکس بیشتر به او پول بدهد، به نفع او خبرسازی می‌کند... در این شرایط، جای روزنامه‌ای که جنبه سیاسی و اجتماعی داشته باشد خالی است. من با تعدادی دوستان دانشگاهی‌ام که حاضر نیستند در روزنامه اطلاعات مطلب بنویسند، می‌خواهیم روزنامه‌ای درست کنیم و احتیاج به کمک داریم و خواهش می‌کنیم مطلب را به عرض اعلیحضرت برسانید!». سخنان مصباح‌زاده را به محمدرضا منتقل کردم. محمدرضا از مسعودی و روزنامه اطلاعات ناراضی بود؛ زیرا مسعودی کسی نبود، ولی با حمایت رضاخان توانست از طریق روزنامه اش به همه چیز برسد، ولی همین آدم پس از شهریور ۱۳۲۰ از برادران محمدرضا با عنوان «شاهپوره‌های لوس و نر» یاد کرد و محمدرضا از این مسئله بسیار ناراحت بود. محمدرضا گفت «مصباح‌زاده راست می‌گوید. این اطلاعات اصلاً روزنامه نیست. او را بیاور تا ببینمش!» مصباح‌زاده را نزد محمدرضا بردم و جلسه سه‌نفره‌ای برگزار شد. مصباح‌زاده، مسئله را به طور مستدل به محمدرضا گفت و او هم موافقت خود را اعلام داشت. سپس مصباح‌زاده در خواست کمک مالی کرد و گفت «از نظر مالی شدیداً در مضیقه هستیم. مقداری کمک اولیه مرحمت کنید، بعداً روزنامه خرج خودش را در خواهد آورد». بعد محمدرضا پهلوی یک چک دویست هزار تومانی کشید تا روزنامه به صورت شرکت سهامی راه‌اندازی شود (طلوعی، ۱۳۷۲: ۷۸۳-۷۸۴).

مصباح‌زاده در روزنامه خود مطالب مثبت مربوط به شاه را انتشار می‌داد تا اینکه نهضت ملی شدن نفت و حکومت مصدق پیش آمد و برای اینکه از قافله عقب نماند، در طرفداری از دکتر مصدق، مطالبی را انتشار داد و در جریان ۲۵ تا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هر دو روزنامه با انتشار مقالاتی درباره «توطئه کودتا علیه حکومت ملی مصدق» به شاه انتقاد کردند (همان، ۷۸۴-۷۸۵).

چارچوب نظری تحقیق

در عصر کنونی رسانه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند؛ زیرا با قدرتی که در خود دارند می‌توانند منشأ تغییر و تحولات گسترده‌ای باشند. اصلی‌ترین کار یک رسانه، تولید محتوای رسانه‌ها توسط افراد و گروه‌های معین تولید و انتخاب می‌شود و معقول به نظر می‌رسد که این محتوا از نیات و نگرش‌های آنها سرچشمه می‌گیرد. سازمان‌های رسانه‌ای، سیاست‌های مختلفی را تعقیب می‌کنند و برای روشن‌ساختن نقش ارتباط‌گران و توصیف محتوا می‌توان از طبقه‌بندی ساده (مثلاً ستون‌های آگهی و سرمقاله در روزنامه) تا تجزیه و تحلیل ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های پنهان در متن را مورد استفاده قرار داد (مک کوئل، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۵۵).

جدا از مسئله ایدئولوژی و تبلیغات، که بیشتر مورد توجه کارکردگرایان بوده است، در رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی (برگر و لاکمن ۱۹۶۷) این فرض مطرح است که محتوای رسانه‌ها برساخته اجتماعی است. به بیانی دیگر تصویر واقعیت که ژانر خبر مدعی ارائه آن است فقط بخش‌هایی از اطلاعات و مشاهدات را در قاب ذهنی روزنامه‌نگاران قرار می‌دهد و در همین چارچوب یا زاویه دید به آن معنا داده می‌شود. دنیس مک کوئل (2005:101-2) برساخت اجتماعی را فرآیندی توصیف می‌کند که طی آن حوادث، افراد و ارزشها ابتدا از طریق رسانه‌ها تعریف، ارزشگذاری و اولویت دهی و در نهایت به تصویری بزرگتر از واقعیت منجر می‌شود. وی ویژگی‌های برساخت‌گرایی را در پنج بند خلاصه می‌کند: الف- جامعه یک برساخت است تا یک واقعیت بدون تغییر؛ ب- رسانه‌ها مواد لازم برای برساختن اجتماعی فراهم می‌کنند؛ ج- معانی از سوی رسانه‌ها ارائه می‌شود، ولی می‌تواند مورد بحث عمومی قرار گیرد یا رد شود؛ د- رسانه‌ها به صورت گزینشی معانی خاصی را بازتولید می‌کنند؛ ه- رسانه‌ها نمی‌توانند گزارشی عینی از واقعیت‌های اجتماعی داشته باشند (همه داده‌ها قابل تفسیرند). (McQuail, 2005: 102)

در این پژوهش، از نظریه چارچوب‌سازی یا قاب بندی استفاده شده است. گیتلین معتقد است که چارچوب‌ها عمدتاً بحث نشده و تأیید نشده هستند و دنیا را برای روزنامه‌نگارانی که آن را گزارش می‌کنند و مهم‌تر از آن برای ما که متکی بر گزارش‌های آنها هستیم، سازماندهی می‌نمایند (زابلی‌زاده به نقل از فریدلند و زانگ، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

چارچوب‌ها به روند انتقال معنادار رخدادها کمک می‌کنند، برای همین کارکرد آنها سازماندهی تجربیات و هدایت کنش‌هاست. چارچوب‌های کنش جمعی همچنین این کارکرد تفسیری را با ساده‌سازی و تلخیص جنبه‌های «جهان بیرونی» انجام می‌دهند، اما به‌شکلی صورت می‌گیرد که هدف آن بسیج طرفداران و کنشگران بالقوه، جلب حمایت ناظران بی‌طرف و منفعل کردن مخالفان باشد. لذا چارچوب‌های کنش جمعی، مجموعه عقاید و معانی کنش محوری هستند که باعث الهام‌بخشی و مشروعیت‌دهی به فعالیت‌ها و کمپین‌های یک سازمان اجتماعی خواهند شد (زابلی‌زاده به نقل از اسنو و بنفورد، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

تعیین چارچوب، مبتنی بر این فرض است که چگونه موضوعی که در گزارش‌های خبری به تصویر کشیده می‌شود، می‌تواند بر چگونگی درک آن از سوی مخاطب تأثیر داشته باشد. منشأ تعیین چارچوب به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی باز می‌گردد. خاستگاه اولیه روان‌شناختی برای تعیین چارچوب در کار تجربی کاهنمان و تورسکی (۱۹۷۹-۱۹۸۴) مجسم است. هر دوی آنها به این مسئله پرداختند که چگونه بازنمایی‌های متفاوت از سناریوهای تصمیم‌گیری یکسان، بر انتخابات مردم و ارزیابی آنها از گزینه‌های مختلفی که به آنها ارائه می‌شود، تأثیر می‌گذارد. اساساً بنیان‌های جامعه‌شناختی تعیین چارچوب توسط گافمن (۱۹۷۴) و دیگرانی پایه‌گذاری شد که

معتقد بودند افراد نمی‌توانند به درک کامل از جهان دست یابند و پیوسته در تلاش هستند تا تجربه‌های زندگی خود را تفسیر کنند و به جهان اطاف خود معنا بخشند (همان: ۲۱).

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله، از روش تحلیل محتوای کمی برای بررسی و تحلیل مطالب منتشره در مورد ملی‌شدن صنعت نفت در این دو نشریه استفاده شده است. در تعریف تحلیل محتوای کمی آمده است؛ «تحلیل محتوا، روشی است که برای مطالعه و تحلیل پیام‌های ارتباطی به صورت منظم، عینی، کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد» (بدیعی، ۱۳۷۱: ۳۴) در این روش، پیام‌های ارتباطی به‌طور یکسان در تمام واحدهای تحقیق (بدون در نظر گرفتن مکان و زمان) با نوعی عینیت مورد استفاده قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که اگر پژوهش تکرار شود، صحت نتایج براساس داده‌های آماری تأیید می‌شود. کرلینجر نیز یادآور می‌شود که تمرکز بر محتوا آشکار، محقق را از تبیین دقیق ارتباط محتوا با مفاهیم نظری بی‌نیاز نمی‌کند (رایف، لیسلی، فیکو؛ ۱۳۹۳: ۲۴).

استفاده از تحلیل محتوا، نخستین بار در امریکا صورت گرفت و برنارد برلسون را باید نخستین پژوهشگری دانست که این روش را به‌کار گرفت، او در سال ۱۹۵۲ در کتاب خود به نام تجزیه و تحلیل محتوا در تحقیقات ارتباطی، برای نخستین بار تعریف دقیقی از این روش به دست داد و اصول و قواعد آن را مشخص کرد. برلسون تجزیه و تحلیل محتوا را روشی برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار ارتباطات دانست. براساس این تعریف تجزیه و تحلیل محتوا دارای چهار ویژگی اساسی «عینی‌بودن»، «منظم‌بودن»، «آشکاربودن» و «کمی‌بودن» است (معمدندژاد، ۱۳۵۶: ۷۴-۸۳).

سابقه تحلیل محتوا در ایران هم به سال‌های دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. نخستین بررسی در مورد موضوع‌های مندرج در روزنامه‌های ایران، به‌وسیله مسعود برزین انجام شد. وی روزنامه‌های صبح و عصر تهران را از جهت نسبت و میزان مطالب بررسی کرد (همان: ۲۵۷). در این مقاله، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند بهره جستیم. به این صورت که کلیه مطالب مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت در صفحات نخست دو روزنامه کیهان و اطلاعات در بازه زمانی چهار هفته قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت از تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱ تا ۱۳۳۰/۱/۳۱ را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

یافته‌های پژوهش

بر اساس کدگذاری انجام شده در چهار هفته قبل و بعد از ملی شدن صنعت نفت، ۹۸ مورد از مطالب منتشر شده روزنامه کیهان، و ۱۲۶ مورد از مطالب منتشر شده روزنامه اطلاعات مربوط به ملی شدن نفت بوده است.

مقایسه دو روزنامه کیهان و اطلاعات از نظر جهت‌گیری مطالب

در جدول ۱، دو نشریه کیهان و اطلاعات از نظر جهت‌گیری مطالب، مورد مقایسه قرار گرفتند. بر اساس آزمون آماری کای اسکوتر با مقدار $(x^2=13/090)$ و معناداری $(sig=0/004)$ ، می‌توان گفت در سطح ۹۵ درصد، تفاوت دو روزنامه از نظر جهت‌گیری مطالب، معنادار است و نشان از جهت‌گیری مثبت و یا بی‌طرفی اطلاعات به کیهان می‌باشد.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، پس از کدگذاری دو روزنامه مذکور، طبق جدول شماره ۱ می‌توان گفت: این دو نشریه، از نظر سوگیری مطالب، جهت‌گیری کاملاً متفاوتی داشته‌اند. بر اساس داده‌های موجود ۵۲/۴ درصد اخبار منتشره در مورد ملی شدن صنعت نفت که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده، مثبت بوده و این در صورتی است که ۵۱ درصد اخبار کیهان مثبت بوده است. در نتیجه می‌توان دریافت که روزنامه اطلاعات به نسبت کیهان جهت‌گیری مثبت تری نسبت به موضوع ملی شدن صنعت نفت داشته است.

جدول شماره ۱: سوگیری کیهان و اطلاعات نسبت به رویدادهای ملی شده صنعت نفت

جهت‌گیری مطالب روزنامه		مثبت		منفی		خنثی		بیطرف / بالانس	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کیهان		۵۱	۵	۵/۱	۱۷	۱۷/۳	۲۶	۲۶/۵	۲۶
اطلاعات		۵۲/۴	۱۶	۱۲/۷	۳۱	۲۴/۶	۱۳	۱۰/۳	۱۳

df: 3 /X2: 13 Sig: 0 090

مقایسه نشریه کیهان و اطلاعات از نظر موضوع خبر

در جدول ۲، دو نشریه کیهان و اطلاعات از نظر موضوع خبر آمده است. بر اساس آزمون آماری کای اسکوتر با مقدار $(x^2=7/770)$ و میزان معناداری $(sig=0/100)$ ، استنباط می‌شود که دو نشریه از نظر موضوع خبر تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش پس از کدگذاری دو روزنامه مذکور، طبق جدول شماره ۲ می‌توان گفت: در مورد موضوع خبر هر دو روزنامه، بیشترین موضوع خبری که مورد توجه قرار داده‌اند، سیاست خارجی می‌باشد که روزنامه کیهان با ۵۷/۱ درصد از مطالب خبری خود و

روزنامه اطلاعات ۴۲/۱ درصد از مطالب خبری خود که مربوط به ملی شدن صنعت نفت بوده را به سیاست خارجی اختصاص داده‌اند. این موضوع بیانگر اهمیت موضوع سیاست خارجی نزد هر دو روزنامه می‌باشد.

جدول شماره ۲: مقایسه نحوه بازتاب موضوعی اخبار در کیهان و اطلاعات

موضوع خبر	سیاست داخلی		سیاست خارجی		اقتصادی		اجتماعی		جنگ و خشونت سیاسی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کیهان	۱۹	۱۹/۴	۵۶	۵۷/۱	۱	۱/۰	۱۵	۱۵/۳	۷	۷/۱
اطلاعات	۳۸	۳۰/۲	۵۳	۴۲/۱	۶	۴/۸	۱۸	۱۴/۳	۱۱	۸/۷

100/770 df: 4 Sig:0/X2: 7

مقایسه نشریات کیهان و اطلاعات از نظر سبک مطلب

در جدول ۳، دو نشریه کیهان و اطلاعات از نظر سبک مطلب با هم مورد مقایسه قرار گرفتند. بر اساس آزمون آماری کای اسکور با مقدار $(x^2=4/012)$ و میزان معناداری $(sig=0/558)$ ، استنباط می‌شود که بین دو نشریه کیهان و اطلاعات از نظر سبک مطلب تفاوت معناداری وجود ندارد.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش پس از کدگذاری دو روزنامه مذکور، طبق جدول شماره ۳ می‌توان گفت: روزنامه اطلاعات با ۴۰/۵ بیشترین سبکی که مورد استفاده قرار داده گزارش بوده است در صورتی که کیهان با ۴۱/۸ بیشترین سبکی که مورد استفاده قرار داده خبر بوده است.

جدول شماره ۳: مقایسه نحوه کاربرد سبک مطالب در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات

سبک مطالب	خبر		تفسیر و تحلیل		گزارش		مصاحبه		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کیهان	۴۱	۴۱/۸	۱۶	۱۶/۴	۳۴	۳۴/۷	۷	۷/۱	۹۸	۱۰۰/۰
اطلاعات	۴۴	۳۴/۹	۱۸	۱۴/۳	۵۱	۴۰/۵	۱۳	۱۰/۳	۱۲۶	۱۰۰/۰

558/012 df: 5 Sig: 0/X2: 4

نتیجه‌گیری

مرور تاریخی پژوهش دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری دو نشریهٔ کیهان و اطلاعات نشان داد که روزنامهٔ اطلاعات نسبت به کیهان قدمت بیشتری دارد و روزنامه‌ای است که با هدف تهیه و توزیع اخبار در تهران منتشر شده است، در مقابل روزنامهٔ کیهان با کمک بلاعوض محمدرضا پهلوی شروع به کار کرده و احتمالاً این حمایت در بدو تأسیس آن شاید عاملی باشد که در انتشار اخبار ملی‌شدن نفت جانب شاه را داشته است.

با توجه به تحلیل محتوای کمی که انجام شد، روزنامهٔ اطلاعات و کیهان از نظر محتوای منتشره در مورد ملی‌شدن صنعت نفت تفاوت معناداری با یکدیگر دارند؛ به طوری که روزنامهٔ اطلاعات با ۵۲/۴ درصد اخباری که در مورد ملی‌کردن صنعت نفت منتشر کرده، سوگیری مثبت داشته و این رقم برای روزنامهٔ کیهان با اندکی تفاوت ۵۱ درصد بوده است. از این رو می‌توان دریافت که روزنامهٔ اطلاعات، به نسبت کیهان در مورد دفاع از ملی‌شدن صنعت نفت در جهتی مثبت‌تر عمل کرده است.

بر اساس آنچه به فرم و قالب دو روزنامه بر می‌گردد، تفاوت معناداری بین دو روزنامه دیده نمی‌شود. در مورد موضوعات خبری، هر دو روزنامه به سیاست خارجی بیش از دیگر موضوعات پرداخته‌اند، که در این میان سهم روزنامهٔ اطلاعات ۴۲/۱ و روزنامه کیهان ۵۷/۱ بوده است که می‌توان گفت توجه بیشتر روزنامهٔ کیهان به مطالب خارجی به نوعی گریز از تمرکز بر موضوعات داخلی بوده است.

در مورد سبک مطلب نیز تفاوت معناداری یافت نشد و آنچه مشهود است، اختلاف دو روزنامه از نظر سبک انتخاب شده برای منتشرکردن مطالب خبری بسیار نزدیک به هم بوده است. روزنامهٔ اطلاعات از بیشترین سبکی که استفاده کرده است گزارش با ۴۰/۵ درصد بوده که سهم روزنامهٔ کیهان نیز در این مورد ۳۴/۷ بوده است. اما روزنامهٔ کیهان از بیشترین سبکی که برای انتشار مطالب بهره جسته است خبر با ۴۱/۸ درصد بوده که سهم روزنامهٔ اطلاعات ۳۴/۹ درصد بوده است.

با توجه به پیشینهٔ متفاوت در شکل‌گیری تاریخی دو روزنامه، اندکی تفاوت در نحوهٔ بازتاب این رخداد ملی تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا مشی روزنامهٔ کیهان در آن سال‌ها بیشتر بر انتشار اخبار مربوط به خاندان پهلوی بوده است تا موضوعات دیگر و در انتشار مطالب خبری مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت سعی کرده است تا جانب احتیاط را بگیرد. اما هر دو روزنامه، از نظر موضوع و سبک مطلب - که بیشتر به سیاست‌های یک نشریه بازمی‌گردد - اختلاف معناداری با یکدیگر نداشتند و هر دو روزنامه با اختلاف ناچیز از هم به یک موضوع خبری و از یک سبک خاص استفاده می‌کردند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، *کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه های روابط ایران و آمریکا* در عصر مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اسلامی، مصطفی (۱۳۹۴)، *زندگی‌نامه دکتر محمد مصدق*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- افخمی، حسین (۱۳۷۹)، «حزب سیاسی، مطبوعات حزبی و روزنامه‌های مستقل»، *نامه انجمن جامعه شناسی ایران*، ش ۶، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۱) «ساختار اخبار خارجی در روزنامه‌های تهران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۳، صص .
- بیل، جیمز؛ ویلیام راجر، لوئیس (۱۳۶۸)، *مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ کاوه، بیات، تهران: نشر نو.
- پیرنیا، منصوره (۱۳۸۸)، *کیهان از هیچ تا کیهانشان: حکایت کیهان، خاطرات دکتر مصطفی مصباح زاده*، ویراستار داریوش پیرنیا، آمریکا: انتشارات مهر ایران.
- جعفری، مهنوش (۱۳۸۵)، «درآمدی بر راهبردهای توسعه مطبوعات»، *سومین سمینار بررسی مطبوعات ایران (مجموعه مقالات)*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- جوانرودی، یونس (۱۳۵۹) *تسخیر کیهان*، تهران: انتشارات حاشیه.
- خانیکی، هادی (۱۳۷۶) «مشروطه اول و دوره رضاخان مقایسه تطبیقی محتوای نشریات دو دوره»، *پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران*، شماره ۱، صص ۳۷۸-۳۸۸.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱) *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: طرح نو.
- رایف، دانیل؛ ل یسی، استفن؛ فیکو، فریدریک جی (۱۳۹۳)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، کاربرد تحلیل محتوا کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: انتشارات سروش.
- روزنامه رسالت چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۸، سال بیست و چهارم، شماره ۶۷۱۵.
- روزنامه کیهان سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۶، سال شصت و پنجم، شماره ۱۸۷۹۵.
- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۳)، *چارچوب‌بندی، خبر و رسانه*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
- سلامی، غلامرضا و محسن روستایی (۱۳۷۴)، *اسناد مطبوعات ایران: ۳۲-۱۳۲۰*، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات کمال.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲)، *بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست*، ج ۲، تهران: چاپخانه تک.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸)، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: انتشارات پیام.

- قربانی، حسین‌علی (۱۳۹۶)، مطبوعات، تجددگرایی و نسبت آن با انقلاب اسلامی ایران»، رساله دکتری، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱)، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کی‌استوان، حسین (۱۳۲۹)، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، جلد ۲، تهران: چاپ تابان.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۵۶)، روش تحقیق در محتوای مطبوعات، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- مقصودی، علی اصغر (۱۳۹۰) «تحلیل جامعه شناختی جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ش ۱۶، ص ۱۴۱-۱۵۸.
- مک کوئل، دنیس (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- Farmanfarmaian, Manucher. (1997) *Blood and Oil: Memoirs of a Persian Prince*. New York: Random House.
- McQuail, Denis (2005), *McQuail's Mass Communication Theory*, London: Sage.
- Zabih, Sepehr (۱۹۸۲), *The Mossadegh Era*, Chicago: West Lake press.